

گزارش شرکت در جلسه معاونت علمی و فن آوری نهاد - ۱۳۹۰/۴/۲۷

۱. بنده از مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برادران، دو نفر از جامعه‌المصطفی (ص) و یک نفر از مؤسسه امام خمینی (ره) حاضر بود. هیچکدام هم از مدعوین نبودند، همه به نمایندگی از مدیران آمده بودند.
۲. دکتر از عدم حضور مدیران ناراضی بود. ایشان فرمودند: ما قصد داشتیم مباحث راهبردی را به بحث بگذاریم، اما با حضور کارشناسان به جای مدیران ناگزیر به بحث‌های فنی محدود می‌شویم.
۳. مقدمه‌ای کوتاه فرمودند که هدف این است: دولت موظف شده در برنامه پنجم توسعه میزان بهره‌برداری کشور از آموزش الکترونیکی را در طول پنج سال ۳۰٪ رشد دهد. هیچ شاخصی هم برای این عدد تعیین نشده است و معلوم هم نکرده‌اند منظور از این عدد چیست. کمیته‌ای در این معاونت تشکیل شده که این هدف را تأمین نماید.
۴. دکتر اظهار داشت با آموزش و پرورش و آموزش عالی گفتگو داشته است و قصدش از دعوت ما، گفتگو با حوزه علمیه بوده است. تصور ایشان این بود که تمام حوزه علمیه همین سه مجموعه‌ای است که دعوت شده است. ایشان درخواست کرد اگر مرکز حوزوی دیگری نیز می‌شناسیم که نیاز به حضورشان در این جلسه هست، معرفی نماییم.
۵. دکتر می‌گفت: ما هیچ اعتبار مالی برای شما تأمین نمی‌کنیم. کمکی هم نخواهیم کرد. ما تنها وظیفه داریم هماهنگی میان دستگاه‌ها را فراهم نماییم. شما باید برنامه‌های کلان خود را برای رشد آموزش الکترونیکی ارائه نمایید، آن بخشی از برنامه‌های شما که وجهه ملی داشته باشد را ما با سایر دستگاه‌ها هماهنگ می‌کنیم که به شما یاری برسانند.
۶. ایشان حتی تعریف آموزش الکترونیکی را هم قطعی نمی‌دانست و فرمودند هر دستگاهی یک تعریفی دارد و ما در این خصوص چالش داریم، شما هم هر تعریفی دارید بیان کنید. آمارهای ایشان حاکی از این بود که سه نسل از آموزش الکترونیکی وجود دارد که دنیا وارد نسل سوم، یعنی آموزش از طریق شبکه‌های مجازی شده است و ما هنوز به صورت جدی نسل اول آموزش الکترونیکی را نیز تجربه نکرده‌ایم و از دنیا ۲۵ سال در این زمینه عقب هستیم.
۷. بنا شد به هر شخص فرصتی داده شود که مطالب خود را بیان نماید. از بنده آغاز کردند (به عنوان تنها ملبس مجلس) که بنده ۱۰ دقیقه مطالبی را عرض کردم. جامعه‌المصطفایی‌ها چون دو نفر بودند هر کدام نیم‌ساعت و در مجموع یک‌ساعت گفتار کردند. یک ربع هم به مؤسسه امام خمینی (ره) رسید! در نهایت نیز دوباره مجادله‌ای میان جامعه‌المصطفی (ص) و دکتر حادث شد که جلسه از ساعت ۵ تا ۷ ادامه یافت و در ۷:۱۵ پایان یافت.
۸. بنده ساختار حوزه علمیه را برای ایشان شرح کردم که بنده خدا به تعجب افتاد. ایشان حداقل‌های ساختار حوزه را هم نمی‌شناخت. این که حوزه علمیه خواهران مستقل از برادران است. جامعه‌الزهراء هم از حوزه علمیه خواهران مستقل است. نهادهای رسمی و غیررسمی را برشمردم و این که دفاتر مراجع عظام تقلید و نهادهای وابسته به ایشان اساساً مستقل از مرکز مدیریت هستند. عرض کردم بیش از ۴۰۰ مرکز و مؤسسه حوزوی چند سال پیش شناسایی شده بود. ایشان نام بعضی موارد را ثبت کرد که در جلسه بعد از آن‌ها نیز دعوت به عمل آورد.
۹. چون نظر ایشان بحث راهبردی بود، بحث را کلان طرح کردم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برادران، تا

آنجایی که بنده اطلاع دارم، به جهت مخاطب خود اساساً به دنبال راه‌اندازی آموزش الکترونیکی نبوده است و برنامه‌ای هم برای این کار ندارد و در آینده هم اگر برنامه‌ای در این زمینه تنظیم شود، قطعاً اولویت اول و حتی سوم و چهارم ما هم نخواهد بود. زیرا مخاطب ما روشن است و سازوکار آموزش آن‌ها نیز تنها به روش حضوری میسر است.

۱۰. عرض کردم: اما حوزه علمیه خواهران به دلیل مخاطب خاص خود، از ۸ سال پیش درگیر این مسأله بوده است و برای آن برنامه‌ریزی و فعالیت نموده. جامعةالمصطفی (ص) هم که مجموعه‌ای ویژه اصلاً برای این کار دارد.

۱۱. راهبرد خود را این‌گونه ترسیم کردم: شما به جای درگیر کردن مجموعه‌های بزرگی چون ما (یعنی ماهایی که در این جلسه حاضر هستیم) در این مطلب، به سراغ ساماندهی مجموعه‌های کوچک بروید. عرض کردم: بسیاری گروه‌های تبلیغی در قم و شهرهای دیگر هستند که هم محتوای کافی دارند و هم نیروی انسانی و بسیار هم چابک‌تر از ما هستند. شما اگر روی مراکز بزرگ حساب کنید، رشد چشمگیری را شاهد نخواهید بود. زیرا بودجه‌های کلان در مراکز این‌چنینی بسیار هدررفت داشته و راندمان پایینی دارد. این مجموعه‌ها مانند تریلی‌های بزرگی هستند، خودشان کم‌کم باید از جا کنده شده و حرکت کنند. بودجه لازم و هماهنگی‌هایش را هم اگر بخواهند خودشان می‌توانند تأمین کنند.

۱۲. کانون حاج‌آقای را مثال زدم و راهکار پیشنهادی خود را این‌گونه ارائه کردم: شما تلاش کنید یک نرم‌افزار فارسی بسیار ساده برای آموزش الکترونیکی فراهم کنید. داکيومنت‌های ناظر به متدها و روش‌های ارائه دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی را هم طراحی نمایید. این را مانند یک روش شیء‌گرا، همچون یک کلاس در برنامه‌نویسی، اگر خوب تعریف کرده باشید، قابل تکرار و اجرا در هر مجموعه کوچکی است. این مراکز کوچک را آموزش دهید و خودشان به صورت سلول‌هایی فعال به عرصه اینترنت و آموزش الکترونیکی هجوم می‌برند و یک نظارت ساده بر آن‌ها کفایت می‌کند. انگیزه کافی برای این کار هم دارند.

۱۳. جامعةالمصطفایی‌ها به شدت به این مطلب بنده حمله کردند و خود را اول و آخر تمام آموزش‌های الکترونیکی در ایران دانستند که حتی دانشگاه صنعتی شریف نیز به کار آن‌ها غبطه می‌خورد و قصد دارد از تجارب آن‌ها بهره برد. این دوستان بحث را بردند در بیان مشکلات‌شان برای ارائه مدرک تحصیلی به دانشجویان‌شان و کیفیت طراحی برنامه‌های آموزشی.

۱۴. مؤسسه امام خمینی (ره) نیز گزارشی از فعالیت خود ارائه نمود که ایرادات فراوانی از سوی دکتر به روش‌های ایشان وارد شد.

۱۵. در نهایت هم هیچ بحث راهبردی دیگری جز آن‌چه بنده عرض کرده بودم طرح نشد. دکتر نیز فرمودند برای جلسه بعد برنامه‌های خود را بیاورید. یعنی برای پنج سال آینده چه برنامه‌هایی دارید. گفت: ما تلاش داریم شما را وادار کنیم که به مسأله آموزش الکترونیکی نگاه برنامه‌محور داشته باشید. در جلسه بعد ما عده بیشتری را دعوت خواهیم کرد و هر کدام‌تان باید بگویید که در برنامه پنجم توسعه می‌خواهید در این موضوع چه کنید، تا در آموزش الکترونیکی رشد داشته باشید!

۱۶. ایشان به شدت به شما ابراز ارادت نمودند و مایل بودند حتماً تشریف داشته باشید. ضمن این‌که فرمودند حاضر بودیم جلسه را به تعویق اندازیم تا ایشان را با خود داشته باشیم.

۱۷. خلاصه بنده تکلیف خود را انجام دادم. إن شاء الله در جلسه بعد بتوانید برنامه مرکز مدیریت در این زمینه را به ایشان ارائه نمایید.